

## مذهب و تالیفات وی

وی از بزرگان محدثان عصر خود به شمار می‌آمد و در علم حدیث و فقه تبحر داشت. ابتدا تابع مذهب مالکی بود و سپس شافعی شده بود، اما بعدها تابع ادله بود و مقلد هیچ یک از مذاهب فقهی نبود، بلکه هر چیزی را که خودش از ادله استنباط می‌کرد عمل می‌کرد. وی دارای طبع شعر بوده، اشعاری را نیز سروده است. در خصوص اولیا و صالحان و توسل به ایشان و احترام آنها اعتقاد شدیدی داشت و افضلیت بین صحابه به طریق مشهور در بین اهل سنت را نمی‌پذیرفت، بلکه بعد از پیامبر خدا ﷺ، حضرت فاطمه علیها السلام و امام حسن علیها السلام و امام حسین علیها السلام و حضرت علی علیها السلام را افضل از همه صحابه می‌دانست و در مسائل متشابه توقف می‌کرد.<sup>۱</sup>

وی تالیفات فراوانی دارد و کتاب‌های بسیاری در علوم مختلف مانند حدیث، تفسیر، تاریخ، فقه، رجال و درایه تألیف کرده است، به طوری که علمای معاصر وی نیز بر این مطلب اذعان داشته‌اند. برخی از آنها در رد وهابیت و عقاید آنهاست. از جمله تالیفات وی عبارت‌اند از:

۱. إبراز الوهم المکنون من کلام ابن خلدون؛
۲. الاستعاذة والحسبلة ممن صحح حدیث البسملة؛
۳. إرشاد المربعین إلى طرق حدیث الأربعین؛
۴. إزالة الخطر عمّن جمع بین الصلاتین فی الحضر؛
۵. إحياء المقبور بأدلة بناء المساجد والقباب علی القبور؛
۶. الانسهاب فی الاستخراج علی مسند الشهاب؛
۷. الأخبار المسطورة فی القراءة فی الصلاة ببعض السورة؛
۸. الاستعاذة بحدیث وضوء المستحاضة؛
۹. الأربعون المتتالية بالأسانید العالیة؛
۱۰. الاشراف بتخریج الأربعین المسلسلة بالأشراف؛

۱. احمد صدیق غماری، البحر العمیق، ج ۱، ص ۱۱۲-۱۱۹، این ترتیب تفضیل بین اهل بیت علیهم السلام طبق نظر مؤلف است.

۱۱. إظهار ما كان خفياً من بطلان حديث «لو كان العلم بالثريا»؛
۱۲. الاكتفاء بتخريج أحاديث الشفاء؛
۱۳. الأمالي المستظرفة على الرسالة المستظرفة في أسماء كتب السنة المشرفة؛
۱۴. الاستتناس بتراجم فضلاء فاس؛
۱۵. الالمام بطرق المتواتر من حديثه عليه الصلاة والسلام؛
۱۶. الأجوبة الصارفة لأشكال حديث الطائفة؛
۱۷. إسعاف الملحنين ببيان حال حديث «إذا أَلَّفَ القلب الاعراض عن الله ابْتُلِيَ بالوقية في الصالحين»، و غيرها؛
۱۸. الجواب المفيد للسائل المستفيد؛
۱۹. فتح الملك العلي؛

### معرفی کتاب

کتاب احیاء المقبور بأدلة بناء المساجد و القباب علی القبور در پاسخ به پرسشی نوشته شده است که پرسشگر از مؤلف درباره نحوه جمع بین دو دسته روایت پرسیده است؛ دسته اول روایاتی که بر نهی از تعمیر قبر و نهی از ساختن بنا بر قبور دلالت دارند، مانند روایت ابی الهیاج از امام علی علیه السلام که فرمودند پیامبر خدا صلی الله علیه و آله مرا فرستادند و به من دستور دادند: «لا تدع تمثالا الا طمسته و لا قبرا مشرفا الا سویته»؛<sup>۱</sup> دسته دوم روایاتی که بر جواز حفظ قبر و ساختن قبه و بناء بر روی آن دلالت دارند، مانند روایت صالح بن ابی صالح که گفته است: «رأیت قبر النبی مرفوعا شبرا و أو نحو شبر».<sup>۲</sup>

مؤلف در پاسخ به پرسش مذکور و نحوه جمع بین روایات، این کتاب را نگاشته و در آن با نقد ادله منکران جواز بناء، روایات و ادله جواز بناء بر قبور را ذکر کرده است. این کتاب

۱. مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، ج ۳، ص ۶۱؛ هیچ مجسمه‌ای را ره نکن مگر اینکه نابود کرده باشی و هیچ قبر برآمده‌ای را ترک نکن، مگر اینکه صاف کرده باشی.

۲. ابو داوود سجستانی، المراسیل لابی داوود، ص ۳۰۳؛ قبر پیامبر (ص) را دیدم که به اندازه یک وجب یا مثل آن بالا آمده بود.

شامل چهار بخش عمده است: ۱. ادله جواز بناء بر قبور؛ ۲. ادله نهی از بناء بر قبور و بررسی این ادله؛ ۳. ادله نهی از ساختن مسجد بر قبور و بررسی آنها؛ ۴. ادله جواز بناء مسجد بر قبور.

### وضعیت چاپ

این کتاب به همراه کتاب اعلام الراکع الساجد باتخاذ القبور مساجد در مکتبه القاهره مصر بارها به چاپ رسیده است و اخیراً هم مؤسسه دارالاعلام لمدرسة اهل البيت علیهم السلام،<sup>۱</sup> در ضمن موسوعه نقد وهابیت با عنوان الوهابیة المتطرفة موسوعة النقدية<sup>۲</sup> همراه با تحقیق و تعلیق منتشر کرده است.<sup>۳</sup>

### مباحث مهم کتاب

#### اقسام بناء بر قبور

مؤلف نخست به تقریر اقسام بناء بر قبور پرداخته است تا در ادامه حکم هر کدام را بررسی کند. وی ابتدا بناء بر قبر را بر دو قسم می‌کند:

**قسم اول:** بناء قبل از دفن میت موجود باشد؛ مانند اینکه میت در خانه یا مسجد و مانند آن دفن شود.

**قسم دوم:** بناء بعد از دفن میت ساخته شود. این قسم خودش صور مختلفی دارد که حکم هر کدام نزد علما مختلف است. گاهی محل دفن ملک شخصی است و گاهی ملک عمومی، گاهی بناء بر روی خود قبر ساخته می‌شود و گاهی در اطراف قبر، گاهی بناء به عنوان مسجد ساخته می‌شود و گاهی به عنوان غیرمسجد، و در هر کدام از این اقسام، میت یا از عموم مردم است یا از اولیای الهی و صالحان.

۱. این مؤسسه در شهر مقدس قم و تحت اشراف آیت‌الله العظمی مکارم شیرازی در موضوع شناخت و نقد وهابیت فعالیت دارد.

۲. این موسوعه شامل ۲۹ جلد از کتاب‌های اهل سنت است که در نقد وهابیت نوشته شده است.

۳. در این گزارش، مطالب از چاپ قاهره آدرس داده می‌شود.

در قسم اول (وجود بناء قبل از دفن)، همه فقها بر جواز دفن تصریح کرده‌اند؛ غیر از احمد بن حنبل که دفن میت در قبرستان مسلمانان را به دلیل عمل مسلمانان ترجیح می‌دهد. مؤلف با تأکید بر نظر جمهور مبنی بر جواز، نظر احمد بن حنبل را دارای اشکال می‌داند و با استدلال به حدیث «انما تدفن الاجساد حیث تقبض الارواح» دفن در زیر بناء را جایز می‌شمارد.

در قسم دوم (ساختن بناء بعد از دفن میت)، اختلافات بین فقه‌های مذاهب خیلی زیاد است. برخی فقها ملاک جواز را ملک شخصی بودن و ملاک عدم جواز را ملک عمومی بودن محل دفن قرار داده‌اند. برخی دیگر گفته‌اند اگر قصد مباحثات باشد حرام است و گرنه جایز است. عده‌ای ساختن بناء بر روی خود قبر را حرام و ساختن آن در اطراف قبر را جایز دانسته‌اند. بعضی دیگر معتقدند اگر میت از اولیای خدا باشد جایز و الا حرام است (ص ۵).

### علل جواز بناء بر قبور نزد فقها

احمد صدیق غماری در این بخش با ذکر فتاوی فقها از مذاهب مختلف، قول کسانی را که حکم به جواز بناء بر قبور بعد از دفن میت داده‌اند ترجیح داده، فتاوی آنها را با ادله ذکر می‌کند. وی بناء بر قبور را، جایی که میت از صالحان و اولیای الهی باشد، حتی در زمین وقفی نیز جایز دانسته است. از جمله عللی که، علاوه بر استدلال به آیات و روایات، در این حکم ذکر شده عبارت‌اند از:

۱. ساختن بناء بر قبر تعظیم شعائر الهی است.
۲. این کار موجب جلب مصلحت برای بندگان خداست، چون با زیارت اولیا به ثواب و نفع آن نائل می‌شوند.
۳. ساختن بناء بر قبور اولیا باعث دفع مفسدی مانند حفر و نبش و بی‌احترامی به صالحان است.

۴. ساختن بناء بر قبور از نابودی قبور جلوگیری می‌کند، مانند قبور انبیای الهی که به دلیل عدم بناء از بین رفته‌اند.

۵. ساختن بناء بر قبر صالحان، تبعیت از روش صحابه است، همچنان که حضرت زهراء علیها السلام هر سال قبر حمزه را ترمیم و اصلاح می‌کرد تا از بین نرود (ص ۶-۸).

### حکم وقف برای ضرائح

حکم وقف و نذر برای قبور و قبه‌ها و ضریح‌ها، به مسئله بناء بر قبور بسته است، که اگر بناء بر قبر جایز یا مستحب باشد وقف بر آن نیز مشروع خواهد بود. مؤلف با نقل فتاوی‌ای از ابن حجر و علمای دیگر، وقف بر ضرائح و قبور را یکی از قربات می‌داند. از ادله‌ای که برای این مطلب به آن استدلال شده آیه **﴿يَذُنُّنَ عَلَيْهِنَ مِنْ جَلَائِبِهِنَّ ذَلِكِ اَدْنٰى اَنْ يَعْرِفْنَ فَلَآ يُوْذِنَنَّ﴾**<sup>۱</sup> است. با این تقریر که همچنان که زنان و دختران پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و مؤمنین، لازم است با پوشش خاص خود از منزل خارج شوند تا شناخته شوند و مورد اذیت و بی‌احترامی قرار نگیرند، اولیای الهی و صالحان نیز بعد از مماتشان بهتر است با ساختن بناء و قبه بر قبورشان، شناخته شوند تا مورد بی‌احترامی قرار نگیرند. لذا وقف اموال و ساخت بناء برای حفظ قبور صالحان مشروع است (ص ۹-۱۰).

### منشأ خلاف در حکم بناء بر قبور

طبق نظر مؤلف، ادله نهی از بناء بر قبر و مسجد قرار دادن آن چند خصوصیت دارد که در استفاده از این ادله باید به آنها دقت کرد: اولاً، این ادله فی‌نفسه عام نیستند و همه زمان‌ها و همه انواع بناء را شامل نمی‌شوند. ثانیاً، این مسئله تعبدی نیست، بلکه موضوع معقول المعنی و معلل به علل است. یعنی با عقل می‌توان علت نهی از بناء را فهمید، که با وجود علت، حکم نهی جاری می‌شود و با انتفاء آن علت، حکم نهی هم منتفی می‌شود. ثالثاً، روایات نهی از بناء بر قبور با روایاتی قوی‌تر از خود معارض است.

۱. سوره الاحزاب (۳۳)، آیه ۵۹: ای پیامبر، به زنان و دخترانت و به زنان مؤمنان بگو: «پوشش‌های خود را بر خود فروتر گیرند. این برای آنکه شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند».

لذا وی علت اختلاف درباره حکم بناء بر قبور را سه چیز می‌داند:

۱. نفهمیدن معنای دقیق دلیل؛
۲. نفهمیدن مراد شارع از آن دلیل؛
۳. لحاظ نکردن ادله معارض (ص ۱۱-۱۳).

### علل نهی از بناء بر قبور

احمد صدیق غماری در ادامه می‌گوید علما و فقهایی که مطلق بناء بر قبور را جایز نمی‌دانند، با استفاده از برخی روایات، هر کدام علت‌هایی را بیان کرده‌اند. این علت‌ها عبارت‌اند از:

۱. گنج و اجر آتش را مس کرده‌اند و شایسته نیست در کنار میت باشند. این علت را از روایت پیامبر ﷺ که چوب تری را با میت دفن کردند و فرمودند: «لعله یخفف عنها ما لم تیسس»<sup>۱</sup> استفاده کرده‌اند و گنج و اجر را که آتش دیده و خشک شده با چوب خشک قیاس کرده‌اند که نباید با میت دفن شود، بلکه چوب تر باید دفن شود.
۲. بناء بر قبر باعث سنگینی بر میت می‌شود، لذا در روایات وارد شده که خاک اضافی بر قبر ریخته نشود و پیامبر ﷺ امر به صاف کردن قبر کردند.
۳. بناء داشتن قبر باعث جدایی و تمییز در بین قبور مسلمانان می‌شود.
۴. بناء بر قبر مانع دفن غیر در آن مکان می‌شود.
۵. بناء بر روی قبر نوعی تشبه به کفار و مشرکان زمان جاهلیت است.
۶. بناء بر قبر زینت دنیوی است و شایسته نیست کسی که به عالم آخرت انتقال یافته با زینت دنیوی زینت داده شود.
۷. بناء بر قبر باعث جلوس بر روی قبر می‌شود، در حالی که از جلوس بر قبر نهی شده است.
۸. بناء حائل بین میت و شنیدن صدا و دعا و ذکر و قرآن است.

۱. شاید عذاب او کمتر شود تا زمانی که این دو چوب تر خشک نشده‌اند.

مؤلف در نقد این ادله می‌گوید اکثر این اشکالات هنگامی پیش می‌آید که بناء بر روی خود قبر باشد، مانند سنگینی، نزدیکی چیزی که با آتش برخورد کرده، تشبیه به کفار، امکان جلوس بر روی قبر، منع غیر از دفن و منع از شنیدن. اما هنگامی که بناء در اطراف قبر باشد که قبر را هم شامل شود، مانند قبه و ضریح، این اشکالات پیش نمی‌آید. اشکال زینت بودن بناء نیز وارد نیست، چون اولاً، بناء بر قبر برای زینت نیست، بلکه برای حفظ از هدم و نابودی و بی‌احترامی است. ثانیاً، اگر برای زینت هم باشد باز اشکالی ندارد و نهی از آن بدون دلیل است. پس ساختن مطلق بناء بر روی قبر اشکالی ندارد (ص ۱۳-۱۷).

### نهی از ساختن مسجد بر روی قبر

در خصوص نهی از ساختن مسجد بر روی قبر دو علت بیان شده است:

۱. این امر منجر به تجسّس مسجد می‌شود، چون غیر قبر پاک‌تر از قبر است. لذا برای مسجد شایسته‌تر است.
۲. این امر منجر به گمراهی و فتنه و عبادت صاحب قبر می‌شود. از طرفی تعظیم قبور صالحان در محلی که سجد می‌شود، شبیه عمل مشرکان است. در این زمینه به حدیث «قاتل الله الیهود و النصارى اتخذوا من قبور انبیائهم مساجد»<sup>۱</sup> استدلال شده است و علت نهی زنان از زیارت قبور هم همین است، یعنی چون زن‌ها از لحاظ ایمان ضعیف و از لحاظ احساسات شدید هستند و زودتر در معرض فتنه و گمراهی واقع می‌شوند، لذا از زیارت آنها نهی شده، پس در مورد ساختن بناء هم، چون ممکن است باعث گمراهی شود، باید منع شود.

دلیل عمده همان علت دوم است و چون عبادت قبور در جاهلیت رواج داشت، اسلام برای پاک کردن آن از اذهان مردم جوانب احتیاط را مراعات، و از عبادت در کنار قبور نهی کرده است. اما اصل مسئله (ساختن مسجد در کنار قبور) اگر ایمان مردم راسخ باشد

۱. خدا یهود و نصاری را بکشد که از قبور پیامبرانشان محس سجده برای خود گرفتند.

و ترس از عبادت قبور نباشد اشکالی ندارد. به عبارت دیگر، حکم حرمت دائر مدار عبادت قبور است و با انتفاء آن منتفی می‌شود (ص ۱۷-۱۸).

مؤلف در پاسخ به این اشکال می‌نویسد:

اولاً، در اسلام کسی یافت نمی‌شود که بر روی قبر مسجد بسازد تا قبر را عبادت کند، یا آن را قبله خود سازد، بلکه غرض از ساختن مسجد در کنار قبور فقط احترام صالحان و حفظ قبور آنها از نابودی است که با زیارت و تبرک آنها مردم منتفع می‌شوند.

ثانیاً، اینکه برخی جهال در کنار قبور اعمالی را شبیه صورت عبادت انجام می‌دهند، باعث نمی‌شود که ساختن مسجد حرمت داشته باشد، چون این کار به دلیل ساختن مسجد نیست، بلکه به دلیل جهل اوست. چنان‌که در قبوری که مسجد یا بنایی هم ندارند، همین کار از برخی جهال سر می‌زند. بلکه برخی این کارهای شبیه عبادت را با اشخاص صالح و متقی در حال حیات هم انجام می‌دهند. اگر قرار باشد با کار جهال مسجد ساختن حرام شود باید مراعات تقوا و صلاح هم حرام باشد، چون منشأ کار جاهلان اعتقاد به صلاحیت و تقوای اولیای الهی است (ص ۱۹-۲۱).

پس آل سعود نباید بناء قبور را تخریب کنند، بلکه باید تقوا و خشیت و ولایتی را که اولیای الهی دارند و با آن در دل مردم نفوذ کرده‌اند تخریب کنند، و الا بعد از تخریب بناء قبور هم مردم به آن اولیاء تبرک می‌جویند (ص ۲۰).

### احادیث معارض با نهی بناء بر قبور

علاوه بر اینکه نفهمیدن مقصود شارع و نفهمیدن فهم دلیل، باعث حکم اشتباه درباره بناء بر قبور شده است، رجوع نکردن به ادله معارض نیز از عوامل حکم به حرمت ساختن مسجد در کنار قبور است. مؤلف از میان ادله به ۱۵ دلیل، که همگی بر جواز ساختن مسجد و بناء در کنار قبور دلالت دارند، اشاره می‌کند. برخی از این ادله عبارت‌اند از:



۱. آیه «قَالَ الَّذِينَ غَلَبُوا عَلَىٰ أَمْرِهِمْ لَنَتَّخِذَنَّ عَلَيْهِم مَسْجِدًا» چون خداوند در این آیه عمل مؤمنان را نقل کرده و رد نکرده است؛ در حالی که روش قرآن همیشه بر این است که اگر عمل باطلی را از دیگران نقل کند آن را رد می‌کند. لذا از این آیه می‌توان جواز ساختن مسجد بر قبور را استفاده کرد.

**اشکال:** در اینجا پرسشی پیش می‌آید که روایاتی مانند روایت پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ که فرمودند: «قاتل الله اليهود و النصارى اتخذوا من قبور انبيائهم مساجد» با این نوع فهم از آیه معارض است، چگونه با هم جمع می‌شوند؟ مؤلف در پاسخ به این اشکال هفت وجه را بیان می‌کند. یکی از وجوه این است که در آیه قرآن خداوند متعال از مؤمنان نقل می‌کند و مؤمنان این کار را برای تبرک به آثار صالحان و حفظ آن انجام داده‌اند، بر خلاف روایت که از حال یهود و نصاری نقل می‌کند و آنها ساختن مسجد را برای عبادت قبور انجام داده‌اند (ص ۲۱-۳۰).

۲. خداوند در علم خود ساخت مسجد بر روی قبر پیامبرش را مقدر کرده بود، و اگر این کار حرام و شرک بود خداوند قبر پیامبرش را از این آلودگی حفظ می‌کرد (ص ۳۰).

۳. پیامبر خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ خبر داده بودند که قبر ایشان در مسجد خواهد بود، چنان‌که در روایتی آمده است: «ما بين قبري و منبري روضه من رياض الجنة»؛<sup>۲</sup> و این ترغیب به این است که قبر در مسجد قرار گیرد. مؤلف در اینجا روایات دیگری را که دال بر این مطلب باشد ذکر می‌کند (ص ۳۱-۳۲).

۴. صحابه و تابعین بر دفن پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در خانه خود و در زیر بناء اجماع دارند. (ص ۳۷).

۵. صحابه در حال حیات پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بر روی قبر مسجد ساختند ولی پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ امر به تخریب آن نکرد (ص ۳۸).<sup>۳</sup>

۱. الکهف (۱۸)، آیه ۲۱؛ کسانی که بر کارشان غلبه یافتند گفتند: حتماً بر ایشان مسجدی بنا خواهیم کرد.

۲. بین قبر و منبر من باغی از باغ‌های بهشت است.

۳. یکی از اصحاب پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از دنیا رفت و ابو جندل او را دفن کرد و بر روی قبرش مسجد کوچکی ساخت. داستان این جریان را مؤلف از کتاب الاستیعاب نقل کرده است.

۶. پیامبر ﷺ خیر از فتح بیت المقدس داده بودند و می دانستند که قبر حضرت ابراهیم و اسحاق و یعقوب علیهم السلام در آن است، ولی امر به تخریب نکردند (ص ۴۰).
۷. صحابه در زمان خلفا شهرهایی را فتح می کردند که در آنها قبور انبیا و صالحان در داخل بناء یا مسجد بود، ولی هیچ کدام را تخریب نکردند (ص ۴۰).
۸. پیامبر ﷺ خودشان روی قبر شهدا، از جمله عثمان بن مظعون، صخره ای را قرار دادند تا نشان آن گم نشود. ساختن بناء بر قبر نیز به همین منظور است (ص ۴۵).

### خاتمه

مؤلف در خاتمه کتاب درباره حدیث ابی الهیاج بحث می کند که حضرت علی علیه السلام فرمودند پیامبر ﷺ مرا فرستاد و فرمود: «لا تدع تمثالا الا طمسته و لا قبرا مشرفا الا سويته»؛ و برای جمع بین این حدیث و احادیثی که ساختن بناء بر قبر را جایز دانسته اند، وجوهی را بیان کرده است و این حدیث را متروک و موضوع آن را قبور مشرکان و معنای آن را مسطح کردن قبر دانسته است.

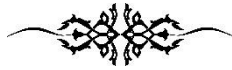
## منابع

١. قرآن كريم.
٢. جمع من المؤلفين، *الوهابية المتطرفة: موسوعة نقدية*، قم: دارالإعلام لمدرسة اهل البيت عليه السلام، ١٣٩٣ ش.
٣. احمد صديق غماري، *البحر العميق*، قاهره: دارالكتبي، ٢٠٠٧ م.
٤. مسلم بن حجاج نيشابوري، *صحيح مسلم*، بيروت: دارالفكر، بي تا.
٥. ابو داوود سجستاني، *المراسيل لابي داوود*، تحقيق: شعيب الارنؤوط، بيروت: موسسه الرساله، چاپ اول، ١٤٠٨ ق.



پژوهش‌نامه نقد و هابیت؛ سراج منیر ♦ سال چهارم ♦ شماره ۱۵ ♦ پاییز ۱۳۹۳

صفحات: ۱۷۷-۱۹۲



## گزارشی از کتاب ازین الباطل فی روشة الفرقة الوهابية

علی ملاموسی میبدی\*

توسّل، استغاثه و نذر بر اولیای الهی و شدّ رحال بر زیارت قبر پیامبر اکرم ﷺ از امور معمول بین مسلمانان بوده است و اکثر فقهای مذاهب، چه شیعه و چه سنی، نه تنها از این کار منع نمی‌کردند، بلکه در تأیید این اعمال به نگارش کتاب و رساله نیز همت گماردند، تا اینکه در قرن دوازدهم در منطقه نجد شخصی به نام محمد بن عبد الوهاب بن سلیمان نجدی با تأثیرپذیری از اندیشه ابن تیمیه و ابن قیم جوزیه، این اعمال را شرک آلود و مرتکب آن را مشرک دانست. او با تعریفی خاص از توحید و ایمان عامّه مسلمانان را به دلیل طلب شفاعت و استغاثه و توسّل به غیر الله، موخّذ ندانسته، بلکه مسلمانان زمان خود را مشرک خطاب کرده است؛<sup>۱</sup> حتّی پا از این فراتر گذاشته، شرک مسلمانان اهل زمانه خود را از شرک مشرکان زمان پیامبر شدیدتر دانسته است.<sup>۲</sup>

\* پژوهش‌گر مؤسسه تحقیقاتی دارالاعلام لمدرسة اهل البيت ﷺ و کارشناسی ارشد مؤسسه مذاهب اسلامی.  
meybodi60@gmail.com

۱. محسن امین، کشف الازتیاب فی اتباع محمد بن عبد الوهاب، ص ۱۳۴؛ به طوری که محمد بن عبد الوهاب در رساله کشف الشبهات، حدود ۴ بار مسلمانان زمان خود را با عنوان «المشركون فی زماننا» یا «شرك اهل زماننا» خطاب می‌کند؛ نک: محمد بن عبد الوهاب، کشف الشبهات، ص ۶ و ۸ و ۱۵ و ۳۳.

۲. فاعلم أن شرک الأولین أخف من شرک اهل زماننا بأمرین:

**أحدهما:** أن الأولین یشرکون ویدعون الملائكة والأولیاء والأوثان مع الله فی الرخاء، وأما فی الشدة فیخلصون لله الدعاء ... فمن فهم هذه المسألة التي وضحها الله فی کتابه، وهي أن المشركین الذین قاتلهم رسول الله (ص) یدعون الله ویدعون غیره فی الرخاء، وأما فی الضراء والشدة فلا یدعون إلا الله وحده لا شریک له وینسون ساداتهم، تبین له الفرق بین شرک اهل زماننا وشرک الأولین.

**الأمر الثانی:** أن الأولین یدعون مع الله أناسا مقربین عند الله. إما أنبیاء، وإما أولیاء، وإما ملائكة، أو یدعون أشجارا أو أحجارا مطیعة لله لیست عاصیة. وأهل زماننا یدعون مع الله أناسا من أفسق الناس، والذین یدعونهم هم الذین یحکون عنهم الفجور من الزنا والسرقة وترک الصلاة وغیر ذلك؛ نک: محمد بن عبد الوهاب، کشف الشبهات، ص ۳۳.

عقیده ابن عبدالوہاب با واکنش شدید از جانب علمای اسلام به خصوص علمای شیعه مواجه می‌شود. محمد بن عبد الوہاب بن داوود ہمدانی، مؤلف کتاب ازہاق الباطل و معروف به امام الحرمین، به همراه شیخ جعفر کاشف الغطاء و سید محسن امین از بزرگان شیعه در قرن سیزدهم بودند که به نقد عقیده ابن عبد الوہاب و عملکرد او در مواجهه با مسلمانان پرداختند و به تنویر اذهان شیعیان در خصوص عقاید وہابیت ہمت گماردند.

### محمد بن عبد الوہاب بن داوود ہمدانی

محمد بن عبد الوہاب بن داوود ہمدانی (متوفای ۱۳۰۳ ق.) از شاگردان شیخ انصاری<sup>۱</sup> و از ادبا و فقہای معروف شیعه در قرن سیزدهم ہجری است. وی متصدی امر قضاوت در شہر کاظمین بود، و در زمان خود از جانب ناصرالدین شاہ قاجار، ملقب به «امام الحرمین» شد.<sup>۲</sup> وی در علوم مختلف از علمای زمانہ خود بہرہ برد و توانست در علوم مختلف ذوفنون شود. از وی آثار بسیاری در علوم مختلف همچون فقہ، ادبیات عرب، و منطق بر جای مانده، کہ اکثر آنها تا بہ حال مخطوط مانده است.<sup>۳</sup> ایشان از معدود علمای شیعه است کہ در مقابل ہجمہ فکری وہابیت، همچون سید محسن امین و شیخ جعفر کاشف الغطاء و ... دست بہ خلق اثر در این زمینہ زد. وی نام کتابش را ازہاق الباطل فی ردّ شبہ الفرقة الوہابیة نامیدہ است و چنان کہ از نامش پیداست، در ردّ شبہات فرقه وہابیت بہ خصوص رسالہ کشف الشبہات محمد بن عبد الوہاب، بہ نگارش این کتاب ارزشمند می‌پردازد.

۱. اللجنة العلمية في مؤسسة امام صادق عليه السلام، موسوعة طبقات الفقهاء، ج ۱۴، ص ۵۴۳.

۲. محسن امین، أعيان الشيعة، ج ۹، ص ۳۹۴.

۳. ر.ک: محسن امین، أعيان الشيعة، ج ۹، ص ۳۹۵؛ اللجنة العلمية في مؤسسة امام صادق عليه السلام، موسوعة طبقات الفقهاء، ج ۱۴، ص ۵۴۲.